

بمولانا الوزير الباشا حسن است، به بیان فضیلت‌های حرمین شریفین و شرح خدمات وزیر حسن پاشا به این دو شهر پرداخته و اطلاعاتی تاریخی از وضع مکه و مدینه در این دوره ارائه کرده است.

نویسنده، فرزند محمد قطب الدین نهروالی (م. ۹۹۰ ق.) از مورخان مشهور مکه و مؤلف *الإعلام بأعلام بیت الله الحرام** در تاریخ محلی مکه است. برخی منابع به نویسنده و پدرش محمد بن قطب الدین نسبت قادری و خرقانی نیز داده‌اند که گویا به گرایش‌های صوفیانه آنان اشاره دارد.^۱ شرح حال نگاران از محمد بن قطب الدین اندک نوشته‌اند و برخی معتقدند که قطب الدین نهروالی فرزند پسر نداشته است؟ ولی قطب الدین، خود، در سفرنامه‌اش تصریح کرده که در سفر به مدینه، پسرانش از جمله محمد با او بوده‌اند.^۲ تاریخ تولد و مرگ محمد بن قطب الدین دانسته نیست. تنها از تاریخ پایان تألیف کتاب (۱۰۰۵ ق.) می‌توان دوره حیات او را حدس زد.^۳ زرکلی این کتاب را نوشته قطب الدین

دیگران، بیروت، المكتبة العلمية؛ شرح اصول کافی: محمد صالح مازندرانی (م. ۱۰۸۱ ق.)، به کوشش سید علی عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق؛ شرف النبی: خرگوشی (م. ۴۰۶ ق.)، به کوشش روشن، تهران، بابک، ۱۳۶۱ ش؛ الصحاح: الجوهری (م. ۳۹۳ ق.)، به کوشش احمد العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق؛ *الکامل فی التاریخ*: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق؛ *لسان العرب*: ابن منظور (م. ۷۱۱ ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق؛ *مجلة المنار*: زیر نظر محمد رشید رضا، ش ۳۲، جمادی الاخری، ۱۳۵۰ ق، «فتاوی المنار»؛ *مجمع البحرين*: الطریحی (م. ۱۰۸۵ ق.)، به کوشش احمد الحسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ق؛ *مجمع البیان*: الطبرسی (م. ۵۴۸ ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ ق؛ *المصتف*: ابن ابی شیبہ (م. ۲۳۵ ق.)، به کوشش سعید محمد، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق؛ *معانی القرآن*: الفراء (م. ۲۰۷ ق.)، به کوشش نجاتی و نجار، مصر، دار الکتب المصریه؛ واژه‌های دخیل در قرآن مجید: آرتور جفری، ترجمه: بدره‌ای، توس، ۱۳۷۲ ش.

عبدالحمید کاظمی



ابتهاج الانسان و الزمن: کتابی در تاریخ

محلی مکه و مدینه، نوشته محمد بن محمد قطب

الدین نهروالی مکی حنفی (زنده در ۱۰۰۵ ق.)

این کتاب که نام کاملش *ابتهاج الانسان و*

الزمن فی الاحسان الواصل للحرمین من الیمن

۱. هدیه العارفين، ج ۲، ص ۲۶۲؛ معجم المؤلفين، ج ۱۱، ص ۱۵۳؛

معجم المطبوعات، ج ۲، ص ۱۸۷۱.

۲. سمط النجوم، ج ۴، ص ۳۹۳.

۳. التاریخ و المورخون، ص ۲۵۷.

۴. نك: معجم المؤلفين، ج ۱۱، ص ۱۵۳؛ هدیه العارفين، ج ۲،

ص ۲۶۲.

◀ منابع

الإعلام: الزركلي (م. ۱۳۹۶ق.)، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۹۹۷م؛ اعلام العلماء الاعلام: عبدالکریم بن محب الدین القطبی (م. ۱۰۱۴ق.)، به کوشش احمد محمد و عبدالعزیز، ریاض، دار الرفاعی، ۱۴۰۷ق؛ التاريخ و المورخون بمکه: محمد الحبيب الهلبه، الفرقان، ۱۹۴۴م؛ خلاصة الاثر في اعيان القرن الحادى عشر: المحبى، بيروت، دار صادر؛ سمط النجوم العوالى: عبدالملك بن حسين العصامى (م. ۱۱۱۱ق.)، به کوشش عادل احمد و معوض، بيروت، دار الکتب العلميه، ۱۴۱۹ق؛ معجم المطبوعات العربيه: يوسف البیان سرکيس (م. ۱۳۵۱ق.)، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۱۰ق؛ معجم المؤلفين: عمر کخاله، بيروت، دار احیاء التراث العربی - مکتبه المثنی؛ نشر الرياحين: عاتق بن غيث البلادی، دار مکة، ۱۴۱۵ق؛ هدية العارفين: اسماعيل باشا (م. ۱۳۳۹ق.)، بيروت، دار احیاء التراث العربی.

ابراهیم احمدیان



أبجد: از حاکمان افسانه‌ای مکة

روایت‌های تاریخی، ریشه‌یابی‌های اسطوره‌ای مختلفی از ابجد داشته‌اند، به ویژه در شش شکل نخست. بر اساس معروف‌ترین آن‌ها ترکیب ابجد (اباجاد^۷) تا قرشت را نام پادشاهانی دانسته‌اند که با شعيب عليه السلام هم‌نسب و

۷. البدء و التاريخ، ج ۳، ص ۷۷.

دانسته نه فرزندش.^۱ قطب الدین متولد نهروال هند بوده و برای فراگرفتن علوم دینی به حجاز و مصر سفر کرد و در مکة ساکن شد.^۲

کتاب *ابتهاج الانسان* دو بخش، هفت فصل و یک مقدمه دارد. نهروالی در بخش نخست با چهار فصل بیشتر به بیان فضیلت‌های مکة و مدینه، مسجدالحرام و کعبه و سنجش میان مکة و مدینه پرداخته و در بخش دوم در سه فصل شرح حال و اعمال وزیر پاشا حسن و ماجرای رفتن او به یمن و بازگشتش به مکة در سال ۹۹۸ق. و خیرات و پیشکش‌های او به مسجدالحرام را آورده است. حسن پاشا از وزیران سلطان مراد بنی‌سلیم عثمانی، دهم محرم ۹۸۹ق. به حکومت یمن منصوب شد.^۳ او را حاکمی دادگر و بردبار وصف کرده‌اند.^۴ او به سال ۱۰۱۳ق. از حکومت عزل شد و سه سال بعد در قسطنطنیه درگذشت.^۵

از این کتاب چند نسخه خطی در دست است: نسخه دار الکتب المصریه با شماره ۷۹، نسخه المکتبه العباسیه با شماره ۱۶۰ ب و نسخه کتابخانه لیدن با شماره ۹۳۷.^۶

۱. الاعلام، ج ۶، ص ۶.

۲. اعلام العلماء الاعلام، «مقدمه»؛ نشر الرياحين، ج ۲، ص ۵۵۶.

۳. خلاصة الاثر، ج ۱، ص ۳۶۰-۳۶۱.

۴. خلاصة الاثر، ج ۱، ص ۳۶۱.

۵. خلاصة الاثر، ج ۱، ص ۳۶۲.

۶. التاريخ و المورخون، ص ۲۵۸.